

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر محمد کریم فارغی - استراليا
۲۸ اپریل ۲۰۲۲



داکتر محمد کریم فارغی

تلخترین و دردناک ترین برهه حیات سیاسی کشور ما!



کودتای خونین هفت ثور سال ۱۳۵۷ نقطه عطف در تاریخ معاصر ما به طرف وحشت و جنایات سازمان یافته و انقطاب جامعه تلقی می گردد. این حادثه هولناک نه به وسیله افراد مجهول الهویه، اشرار و یا طالب مدارس حقانیه بلکه به وسیله فرزندان مامورین دولتی و نظامیان عالیرتبه و روشنفکران و تعلیم یافتگان در یک متن سیاسی و اجتماعی متوازن و مستدام صورت پذیرفت .

جنایات خارج از کنترل در اولین لحظات حرکت غول آسا و ضربات کور تانک ها و ارتشاء افراد یاغی و پر عقده در قطعات عسکری و دفاتر ملکی، اتفاق افتاد و الی سرنگونی این حرکت نا میمون در سال ۱۳۹۱ دوام یافت. مطابق یادداشت های مرحوم جنرال عظیمی در کتاب اردو و سیاست، چنان کشتن کشتن در داخل قطعات و جزو تام های عسکری جریان یافت که تا اقدام می کردی ده ها انسان بی گناه به جوقه های مرگ کشانده شده بودند .

من از طریق یکی از رفقایم که کاکا زاده اش لعل محمد خان قومندان امنیه کابل و خواهر زاده مجید سربلند بود شنیدم که از زبان او در یک مجلس فامیلی گفته بود، دو نفر را به دفتر من آوردند تا در مورد سرنوشت شان فیصله کنم، اتفاقاً من انتظار مهمان بلند پایه ای را برای ملاقات داشتم، به آنها گفتم، ببرید تیرشان کنید، اشاره من به طرف توقیف خانه

بود زیرا من در آن لحظه نمی توانستم آنها را در دفتر خود ببینم ولی ظالم ها آن دو نفر را به طور عاجل کشته بودند. روز بعد به امر دفتر خود هدایت دادم آن دو تن را بیاورند تا ببینم کی ها هستند و چه جرمی را مرتکب شده اند، او با بی تفاوتی برایم گفت، صاحب شما گفتید تیر شان کنید، آنها در همان دقایق تیر شان کردند .

پس از سقوط رژیم کودتائی در سال ۱۳۹۱ اخلاف شرور و مجاهد شان در ادامه جنایت آنها کشتار و تباهی را کوچه به کوچه و خانه به خانه دوام دادند و از حرکات اجتماعی و مدنی در تمام جامعه خبری نبود. زمینه تبارز طالبان منحنی فرشته های نجات از وحشت و جنایات دوامدار توسط کشور های همسایه و منطقه و با پول های استخبارات جهانی مساعد گردید. اینها در بستر بیمار جامعه پرورش و به موفقیت دست یافتند و جامعه را از لوٹ اسلاف جنایت پیشه شان مصون نمودند ولی اراده و توانائی حرکت جامعه را به طرف فعالیت های انسانی و مدنی نداشتند. بزودی توسط حامیان استخباراتی شان نابود گردیدند و گروه های مزدور و اشرار فاسد همراکب با تکنوکرات های مفسد غرب کاروان در هم شکسته و خسته از جنگ را به سراب آرامش و سامان دهی امید بخشیدند. ولی اینها همان جنایتکاران و مفسدین تشنه به خون و آتش بودند که یکبار دیگر فرصت ها را آبستن حادثه و جنایت نمودند و خود با سرمایه های هنگفت از خون ملت فرار نمودند و جامعه دوباره در قهقراء و بی سرنوشتی در دست های تاریک اندیشان تاریخ قرار گرفت .

این برهه از تاریخ این سرزمین تلخترین و دردناک ترین بخشی از سرنوشت ملت مظلوم و سرکوب شده است که به طور کل زیر دشنه های عمال مرموز بیگانه ها قرار گرفته اند و معلوم نیست ملت را به کجا و چه سرنوشتی مواجه خواهند کرد....